

همکاری علمی پژوهشی

جامعه‌شناسی همکاری علمی

■ دکتر فریده عصاره^۱
استاد دانشگاه شهید چمران

همکاری علمی که یکی از نمودهای بارز آن هم‌نویسندگی است، از سوی یک شیمی‌دان فرانسوی طی سال‌های ۱۸۰۰ - ۱۸۳۰ مطرح و رواج پیدا کرد

اقبال گسترده‌نویسندگان از پدیده همکاری علمی موجب شد، که پژوهشگران برای گسترش کاربردهای آن تلاش کنند که از آن جمله ارائه ضریب همکاری علمی^۴ به منظور مطالعه روند رشد هم‌نویسندگی را می‌توان نام برد که آجی‌فیروکی و بورل (۱۳۸۶) آن را تهیه کرد. کاربرد این ضریب را می‌توان در مقالات عصاره (۲۰۰۶) و سهیلی و عصاره (۱۳۸۷)، ملاحظه کرد.

در ایران نیز پدیده همکاری علمی مورد توجه واقع شده و نویسندگان آثار خود را به سه صورت: با همکاری همکاران در درون سازمان، با همکاری همکاران در سازمان‌های دیگر یا با همکاری همکارانشان در خارج از کشور تولید و چاپ می‌کنند.

اما نکته قابل تأمل و تاحدودی نگران‌کننده در این است که هدف اصلی همکاری علمی کمتر مورد توجه نویسندگان واقع شود و فقط شکل صوری نویسنده‌گی مورد استفاده قرار گیرد. نگارنده این سطور با کمال تأسف شاهد چند مقاله با این شرایط بوده است. به عبارت دیگر به جای همکاری نزدیک و علمی پدیدآورندگان در خلق آثار علمی مشترک، مثلاً خدای ناکرده، چهار نویسنده، هر کدام، یک مقاله به صورت انفرادی تألیف کنند، و سپس نام خود را در بالای هر چهار مقاله در توالی‌های متفاوت اضافه و ادعا کنند که آثار مشترک خلق کرده‌اند. این رویکرد غلط، علاوه بر اینکه کیفیت بالاتر و استنادهای بیشتری برای آن مقالات را دربرنخواهد داشت، کار نادرستی است، و نقض کامل ایده ظریف و ایجادکننده همکاری علمی در میان نویسندگان می‌باشد.

به این امید که نویسندگان ایرانی حداکثر توجه خود را به اهداف همکاری علمی معطوف کنند و آثار ارزشمند و مفیدی از طریق همکاری‌های علمی خلق کنند، برمی‌گردیم به اصل مطلب.

معرفی مؤلفان

بر اساس وب‌سایت دکتر نوروزی، وی دانشنامه دکتری خود را در موضوع علوم اطلاع‌رسانی و ارتباطات از یکی از دانشگاه‌های فرانسه اخذ کرده است. کارنامه علمی وی نیز در این حوزه است و علاقه‌مندان می‌توانند به کارنامه او که به سه زبان موجود است، مراجعه کنند.

اما در خصوص خالد ولایتی، نگارنده فقط توانست به عنوان و چکیده پایان‌نامه وی دسترسی پیدا کند. او پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «بررسی میزان همکاری‌های علمی بین ایران و کشورهای همجوار طی سال‌های ۱۹۹۰ - ۲۰۰۷» در دانشگاه تهران دفاع کرده است.



■ نوروزی، علیرضا؛ ولایتی، خالد. همکاری علمی پژوهشی: جامعه‌شناسی همکاری علمی، تهران: چاپار، ۱۳۸۸، ۱۹۲ص. شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۹۴-۱۹-۴

مقدمه

همکاری علمی که یکی از نمودهای بارز آن هم‌نویسندگی^۱ است، از سوی یک شیمی‌دان فرانسوی طی سال‌های ۱۸۰۰ - ۱۸۳۰ مطرح و رواج پیدا کرد (عصاره، ۲۰۰۶). کاربرد این پدیده در متون تا جنگ جهانی اول رشد آرامی داشت و بعد از آن رشد سریع‌تری پیدا کرد (بیور و روزن^۲، ۱۹۸۷).

مطالعات نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر همکاری علمی و به‌ویژه هم‌نویسندگی در میان نویسندگان و پژوهشگران رشد تصاعدی داشته است. به گونه‌ای که نرخ رشد آن، در مواردی حتی ۲/۸ بیش از نرخ رشد تولیدات علمی بوده است (عصاره و ویلسون، ۲۰۰۲). شاید بتوان علت این رشد فزاینده را به مزایایی که همکاری‌های علمی برای نویسندگان و آثارشان دارند، نسبت داد، که برخی از این مزایا شامل تبادل ثمربخش ایده‌ها، کیفیت بالاتر و اعتبار بیشتر آثاری که حاصل همکاری علمی می‌باشند، دریافت استنادهای بیشتر و به‌ویژه فوایدی که این همکاری‌ها برای کشورهای در حال رشد پدید می‌آورند، می‌باشد (همان).



کتاب را چندین بار مطالعه کردم، ولی متأسفانه اثری از حضور مؤلفان در آن نیافتم. کتاب عمدتاً شامل قطعاتی است طولانی و برگرفته از چند اثر ترجمه‌ای و یک کتاب تألیفی

بررسی کتاب

عنوان کتاب از دو بخش تشکیل شده است. اما مشخص نیست که آیا بخش دوم، عنوان موازی است؟ و ویژگی‌های عنوان موازی را داراست؟ اگر چنین است، در آن صورت باید بین هر دو قسمت عنوان، حرف ربط «یا» اضافه شود، و یا اطلاعات دیگر عنوان است؟ که در آن صورت هر دو قسمت عنوان باید از یک جنس باشند (که در اینجا چنین نیست). پس لازم است که در ویرایش دوم این کتاب، عنوان آن به‌طور اساسی اصلاح شود.

کتاب شامل چهار فصل است. فصل اول به «همکاری علمی» اختصاص دارد که ۱۰۸ صفحه یا ۵۷/۱٪ از مجموع ۱۸۹ صفحه متن را شامل می‌شود. این فصل حاوی مباحث تعاریف و مفاهیم، رویکردهای نظری مربوط به همکاری علمی، عوامل تأثیرگذار بر موفقیت همکاری علمی، مزایا و موانع همکاری علمی، و تألیف مشترک است و جای تاریخچه کاملاً در این بخش خالی است. فصل دوم به «جامعه‌شناسی علمی پژوهشی» اختصاص دارد که بدون مقدمه و اشاره‌ای به جامعه‌شناسی علمی پژوهشی، شامل حیطه‌های موضوعی اجزای یک گروه، شناخت اهداف گروهی، و انواع گروه‌های علمی پژوهشی می‌باشد. فصل سوم، «فرهنگ همکاری و توسعه» شامل عوامل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، آموزش و همکاری، همکاری و توسعه، و فرهنگ همکاری علمی در کشورهای توسعه یافته است. فصل چهارم، «ضرورت همکاری علمی با کشورهای همسایه»، حاوی موضوع‌های تجانس فرهنگی و زبانی، همجواری، و پیشنهادهایی برای همکاری می‌باشد. در پایان هر فصل نتیجه‌گیری مختصری نیز آمده است.

بر روی جلد و نیز صفحه عنوان کتاب، واژه‌ای که نشان‌دهنده ترجمه، گردآوری یا تألیف اثر باشد، مشاهده نمی‌شود. اما متن کتاب نه قالب ترجمه دارد و نه صد درصد در قالب گردآوری ارائه شده است، پس تألیف است! اما تألیف به چه معناست؟ به زبان ساده تألیف یعنی

الفت‌دادن ایده‌ها با همدیگر. به عبارت دیگر یک اثر تألیفی، تلفیقی است از ایده‌های نویسنده یا نویسندگان اثر با ایده‌های دیگران که در متون نهفته است و در منابع و مآخذ آن اثر از سوی نویسنده یا نویسندگان فهرست شده است، که حاصل این تلفیق، خلق اثری است نو و متفاوت. اما، آیا در این کتاب چنین عملی صورت گرفته است؟ شاید دلیل اینکه مؤلفان از آوردن واژه تألیف روی جلد و صفحه عنوان و حتی ناشر از آوردن این واژه در صفحه حقوق خودداری کرده‌اند، همین مسئله بوده است، که کتاب به معنای واقعی تألیف نیست.

کتاب را چندین بار مطالعه کردم، ولی متأسفانه اثری از حضور مؤلفان در آن نیافتم. کتاب عمدتاً شامل قطعاتی است طولانی و برگرفته از چند اثر ترجمه‌ای و یک کتاب تألیفی. برای مثال صفحات ۵۶ - ۵۸ از اثر چایلد و فاکتر (۱۹۹۸)، ترجمه علیدوستی و نظری کپی‌برداری شده و رونویسی محض است. گاهی هم به اشتباه استناد شده است (علیدوستی و نظری، ۱۳۸۰). صفحات ۱۱۲ - ۱۱۷ مستقیماً از کتاب هلر، ۱۳۸۱ گرفته شده است، حتی در استناد درون‌متنی مشخص نشده است که مترجم این اثر کیست؟ صفحات ۱۲۵ - ۱۳۱ متن بدون استناد است، در پایان صفحه ۱۳۱ به کتاب گلشن فومنی (۱۳۷۴) استناد شده است. کتاب را بررسی کردم و دیدم که همه این صفحات رونویسی از کتاب این نویسنده است.

متأسفانه هیچ‌گونه پیوندی بین بندها و حتی سرفصل‌های مختلف اثر وجود ندارد. برای نمونه متن از سرفصل «موانع همکاری» (ص ۸۷) بدون هیچ‌گونه مقدمه‌ای به «انواع پیوندهای همکارانه اجتماعی در همکاری‌های علمی» (ص ۹۰) وارد می‌شود، و بلافاصله در صفحه ۹۱ سرفصل «ماتریس همکاری از لحاظ زمانی و مکانی» مطرح می‌شود. همان‌طور که که ملاحظه می‌شود نه رابطه موضوعی قوی بین این سرفصل‌ها برقرار است و نه لااقل با استفاده از ارتباط کلامی این موضوع‌ها به هم مرتبط شده‌اند. واضح است که رونویسی از متون ابتدا جایز نیست و موجب بی‌اعتباری متن و انجام کارهای تکراری

می‌شود، و نیز قراردادن قطعات نامرتب در کنار هم کاری بی‌حاصل است و به ابهام متن می‌انجامد که فقط سبب سردرگمی خواننده می‌شود.

با کمال تعجب، در صفحه ۲۵ به رشد مقالات چند نویسنده در آمریکا اشاره شده، اما کم‌ترین توجهی به نتایج آثار و تحقیقات انجام‌شده توسط پژوهشگران ایرانی به زبان فارسی یا انگلیسی در این حیطه نشده است. به‌طور کلی به تحقیقات و آثار ایرانی در موضوع همکاری‌های علمی در این کتاب توجهی نشده و نامی از نویسندگان این حوزه در ایران برده نشده است. فقط از برخی از مترجمان آثار و نویسندگانی که به مرور همکاری علمی پرداخته‌اند، ذکری به میان آمده است.

فصل نخست، (همکاری علمی: مقدمه) در صفحه ۲۵ بدون هیچ‌گونه جمع‌بندی رها شده و به دنبال آن سرفصل «همکاری: تعریف و مفاهیم» آمده است. عدم انسجام در متن کتاب موجب شده است که متن بریده، بریده و منقطع و نارسا باشد. به عبارت دیگر بهتر نبود منتخب مطالب فارسی (در منابع کتاب حاضر) به صورت یکجا گردآوری می‌شدند و در اختیار خوانندگان قرار می‌گرفتند، تا اینکه چنین کتاب نامنسجمی و به این صورت تألیف شود؟

در میان قطعات طولانی که از متون فارسی گرفته شده است، گاهی قطعات کوتاهی دیده می‌شود که ترجمه مختصری از متون خارجی است و فهرست آنها در پایان کتاب آمده است. این ترجمه‌ها تحت‌اللفظی و گاهی نامفهوم است. از این رو در چاپ جدید، کتاب به ویرایش ادبی اساسی نیازمند است.

برخی از پانویس‌ها در جای خود قرار ندارند. مثلاً از واژه‌ای مثل هم‌نویسی در صفحه ۱۲۸ صحبت شده است بدون پانویس، در صفحه ۱۲۹ که دوباره این واژه ذکر شده، به آن زیرنویس داده شده است. مؤلفان در مقدمه کتاب ادعا کرده‌اند که این کتاب متن درسی

است برای دروس «جامعه‌شناسی علم»، «ارتباطات علمی» و «علم‌سنجی». نمی‌دانم این ادعا بر چه اساسی است؟ کتاب حاضر کدام مطلب سرفصل‌های این دروس را پوشش داده است؟ صفحه ۱۰۹ زیر عنوان «جامعه‌شناسی همکاری علمی پژوهشی» بدون هیچ مقدمه‌ای و قبل از اینکه جامعه‌شناسی همکاری علمی پژوهشی، حداقل تعریف شود و اشاره‌ای به تاریخچه و پیدایش آن بشود، سرفصل «اجزای یک گروه همکاری» آمده است، که حتی از تعریف گروه هم در اینجا خودداری شده است. سرفصل بعدی هم «ویژگی‌های یک گروه همکاری خوب» است. آیا این کتاب قابلیت متن درسی بودن برای این درس را دارد؟ علاوه بر این، به دو موضوع دیگر (ارتباطات علمی و علم‌سنجی)، نیز بدتر از این موضوع پرداخته شده است.

کتاب شامل اغلاط املاتی نیز هست، مانند صفحه ۸۸ سطر هفتم و صفحه ۱۰۹، سطر سوم و بیشتر که از ذکر آنها صرف‌نظر کردم. در پایان ضمن خسته نباشید خدمت هر دو مؤلف جوان، امید است که در ویرایش دوم آن نسبت به کاستی‌ها اقدامات شایسته‌ای به عمل آید، تا ویرایش جدید در قالب اثری ارزشمندتر، منقح‌تر، و مفیدتر روانه بازار شود.

انتظار می‌رود ناشر نیز قبل از چاپ آثار، آنها را برای ویرایش جدی به ویرایشگران ماهری که خوشبختانه در حوزه ما تعداد آنها کم هم نیست، بسپارد تا تألیفات معتبرتر و با اشکالات کمتری از چاپ خارج شوند.

پی‌نوشت‌ها:

1. fosareh@yahoo.com
2. Co-author
3. Beaver & Rosen
4. collaboration coefficient (CC)

مآخذ:

۱. آجی‌فیروکی، ایزولا و ژان تگ بورل (۱۳۸۶). «ضرب همکاری: مقیاسی برای اندازه‌گیری میزان همکاری در تحقیقات»، ترجمه: عبدالحسین فرج پهلوی، فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۶۹ - ۱۸۴.
۲. سهیلی، فرامرز؛ عصاره، فریده (۱۳۸۷). «تحلیل پیوندهای وب‌سایت‌های سازمان‌های نانو فناوری: یک مطالعه وب‌سنجی»، فصلنامه کتاب، ش ۷۳ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۸۹ - ۱۰۴.
3. Beaver, D. & Rosen, R. (1978). Studies in scientific collaboration part I. Professional origins of scientific co-authorship. *Scientometrics*, vol. 1, no. 1, pp. 65-84.
4. Osareh, F. (2006). Giant collaboration in astronomy knowledge production at international level. Held in: International Workshop on Webometrics, Informetrics and Scientometrics. and 7th COLLNET Meeting, 10-12, May, 2006, in Nancy-France.
5. Osareh, F.; Wilson, Concepcion S. (2002). Collaboration in Iranian Scientific Publication. *Libri (International Journal of Libraries and Information Services)*, Vol. 52, (June), pp. 88-98.



به‌طور کلی به تحقیقات

و آثار ایرانی در

موضوع همکاری‌های

علمی در این کتاب

توجهی نشده و نامی

از نویسندگان این

حوزه در ایران برده

نشده است